



یادداشت تحلیلی

# مرور تجربه فیلترینگ اینترنت در چین

مرکز شناخت محاسباتی و سیاستگذاری داده محور



[SHENAKHTIC.COM](http://SHENAKHTIC.COM)

## شناختیک

مرور تجربه فیلترینگ اینترنت در چین

عنوان:

علیرضا امیدوار

پدیدآور:

امیر ابراهیمی

طراحی و صفحه آرایی:

مردادماه ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

مرکز شناخت محاسباتی و سیاستگذاری داده محور (شناختیک)

ناشر:

کلیه حقوق این اثر برای مرکز شناخت محاسباتی و سیاستگذاری داده محور (شناختیک) محفوظ است.

## فهرست مطالب

- چکیده ..... ۴
- بیان مسئله ..... ۶
- سازوکار اجرایی فیلترینگ در چین ..... ۹
- رهیافتی برای ایران ..... ۲۵
- منابع ..... ۳۳

## • چکیده

هدف از نگارش این گزارش، بیان وجوه مختلف سیاست‌گذاری فضای مجازی کشور چین، در قالب بررسی پروژه فیلترینگ اینترنت این کشور است و در پی آن هستیم تا از پس مرور تجربه کشور چین، درس‌آموزی برای نظام سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران بیابیم که به‌مانند کشور چین، یکی از طرح‌های مناقشه‌برانگیز حکمرانی فضای مجازی آن اجرای طرح فیلترینگ است. لذا در بخش ابتدایی گزارش، فیلترینگ اینترنت در چین را از منظر مختلف مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌ایم و به معرفی انواع فیلترینگ، ابزارهای فنی اجرای آن، قوانین و مقررات مرتبط با فضای مجازی، نهادهای دخیل در امر اجرا و پیاده‌سازی و اهداف دولت از مداخله در فضای مجازی پرداخته‌ایم؛ دست‌آخر نیز برخی انتقادات وارده بر آن را بیان کرده‌ایم. در بخش پایانی گزارش نیز با توجه به تجربه کشور چین، رهیافت‌هایی برای

بازاندیشی در سیاست‌های فعلی و آینده فضای مجازی در ایران فراهم آمده‌است. همچنین تلاش شده‌است تا به برخی وجوه مشترک چالش‌زا، که در سیستم فیلترینگ هر دو کشور محل بررسی واضح و مشهود است اشاره شود.

**واژگان کلیدی:** فیلترینگ، فضای مجازی، ایران، چین.

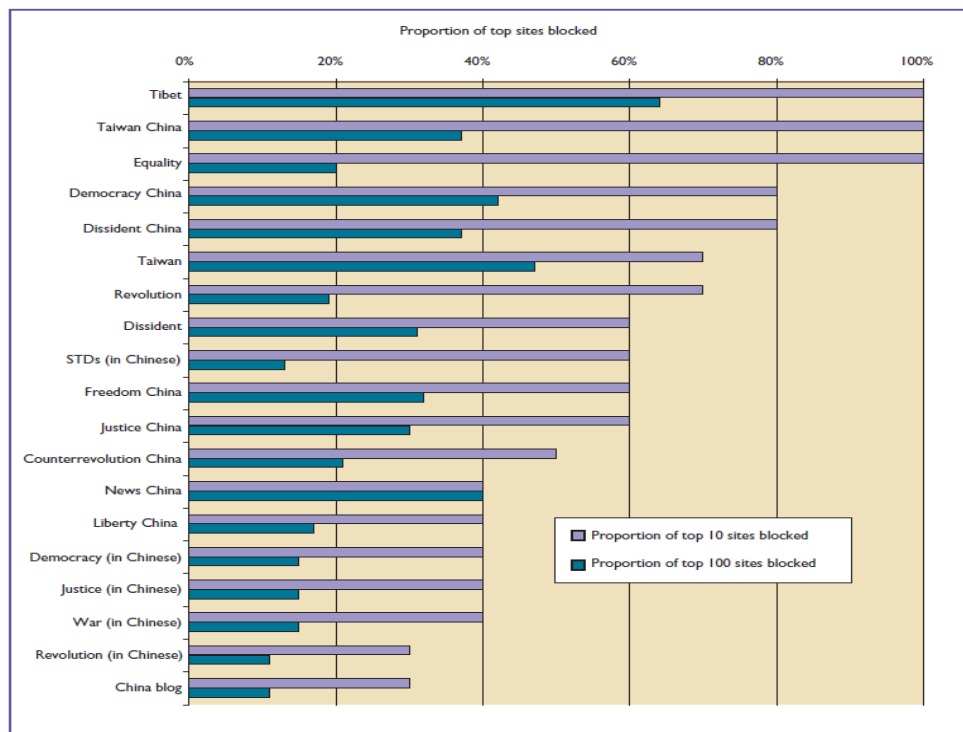
## • بیان مسئله

مواجهه حاکمیت و اینترنت مسئله‌ای است که بیش از هر نقطه دیگری در موضوع فیلترینگ خود را نمایان می‌سازد و گاه چنان می‌نماید که تنها رویکرد و نوع مواجهه حاکمیت در قبال فضای مجازی استفاده از ابزاری به نام فیلترینگ است. موضوعی که در ایران نیز محل چالش و منازعه است، به‌ویژه پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ و تشدید استفاده از این راهبرد تا جایی که طبق گزارش سال ۲۰۲۳ آزادی بر روی اینترنت (freedom on the net ۲۰۲۳) ایران در این سال بیشترین کاهش در میزان دسترسی آزاد به اینترنت را تجربه کرده‌است. اما باید خاطر نشان کرد که تنها میز یک سیاست‌گذار ایرانی نیست که چنین ابزاری را در مقابل خود می‌بیند بلکه سایر کشورها از جمله چین نیز در فهرست استفاده‌کنندگان از این راهبرد قرار دارند، کشوری که به استناد

گزارش مذکور برای نهمین سال متوالی جایگاه ضعیف‌ترین محیط برای اینترنت آزاد را به خود اختصاص داده‌است و ایران نیز در این رده‌بندی بعد از چین و میانمار جایگاه سوم را در اختیار دارد. با ذکر این مقدمه نگاهی به تجربه فیلترینگ فضای مجازی در کشور چین خواهیم داشت بدین امید که بتوانیم از پس آن درس‌آموزی برای سیاست‌گذار ایرانی فراهم آوریم (Shahbaz et al. ۲۰۲۳).

در ابتدا و برای آن که تصویر نسبتاً واضح‌تری از فیلترینگ در چین به‌دست بیاوریم نگاهی به نموداری می‌اندازیم که نشان می‌دهد در ازای جستجوی بعضی کلمات خاص مانند برابری یا تایوان، چند درصد نتایج برتر جستجوی گوگل سایت‌هایی هستند که دسترسی به آن‌ها مسدود شده‌است. مشاهده همین نمودار ساده تا حدودی می‌تواند نمایانگر بخشی از اهداف اتخاذ سیاست فیلترینگ باشد و به ما بگوید که حاکمیت

در پی ایجاد محدودیت دسترسی به چه نوع محتواهایی برای شهروندان خود است.



منبع: Zittrain & Edelman, (۲۰۰۳).



## • سازوکار اجرایی فیلترینگ در چین

### الف) انواع فیلترینگ

فیلترینگ در چین را از چند منظر می‌توان مورد بررسی قرار دارد و یکی از این وجوه گونه‌های مختلفی از فیلترینگ است که در این کشور اجرا می‌شود. به‌طور کلی سه قسم از فیلترینگ در چین مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ابتدا سیستمی موسوم به دیوار بزرگ آتش (The Great Firewall) که از اواخر دهه ۱۹۹۰ اجرای آن آغاز شده است و هدف آن انسداد دسترسی به برخی از سایت‌های خارجی مانند فیس‌بوک و توئیتر است البته که باید خاطرنشان کرد این سایت‌ها نسخه‌های بدیلی در چین پیدا کرده‌اند که آن‌ها نیز از محبوبیت بالایی برخوردار شده‌اند مانند Weibo که معادلی است برای توئیتر. گونه دوم فیلترینگ سپر طلایی (Golden Shield) نام دارد و در سال ۱۹۹۸ توسط وزارت امنیت عمومی چین

آغاز به کار کرده‌است و نوعی مکانیزم نظارت بر محتوای فضای مجازی است که بیشتر، از یک روش دستی برای یافتن و حذف محتوای مورد نظر استفاده می‌کند. همچنین گسترده‌ترین نوع فیلترینگ در این کشور نیز همین نوع است و دست آخر قسم سوم فیلترینگ مسدودسازی واژگان کلیدی ( Keyword Blocking) نام دارد و همان‌طور که از نام آن پیدا است قصد آن ایجاد محدودیت بر روی واژگان و عباراتی است که کاربران استفاده می‌کنند و از طریق نرم‌افزاری که برای اپلیکیشن‌ها و ارائه‌دهندگان سرویس‌های اینترنتی طراحی شده‌است موضوعات سیاسی و مذهبی، پورنوگرافی و مسائل اقلیت‌های قومی را مسدود می‌سازد (King et al. 2013; Monggilo, 2016).

## ب) ابزارهای فنی اجرای فیلترینگ

دومین منظرگاهی که از دریچه آن به واکاوی سیستم فیلترینگ چین خواهیم پرداخت ابزارهای اجرایی آن خواهد بود. این ابزارها

به دیوار بزرگ آتش مربوط می‌شوند و مشتمل بر دو قسم ابزارهای فنی و غیرفنی است. بنابه دلایلی پرواضح اطلاعات دقیقی از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای فیلترینگ چین در دسترس نیست، اما آنچه که مشخص است کلیه جریان اطلاعات از طریق شبکه‌های وزارت صنعت اطلاعات این کشور عبور می‌کند و همین امر نیز موجب نظارت راحت‌تر بر جریان اطلاعات می‌شود. در کنار آنچه گفته شد از سه ابزار کلی در سیستم دیوار آتش چین برای مسدودسازی سایت‌هایی که IP آن‌ها در خارج از این کشور قرار دارد استفاده می‌شود:

- مسدودسازی IP که طرحی است موسوم به Packet Dropping Scheme که براساس آن IP آدرس‌ها مطابق یک لیست سیاه مسدود می‌شوند. این طرح همچنین موجب انسداد سایت‌هایی می‌شود که صرفاً از جهت IP با سایت‌های ممنوعه مشابهت دارند و از جهت محتوا مانعی برای دسترسی ندارند.
- تخریب DNS که مسئولیت هدایت کاربران از IP آدرس‌های مسدود به سایت‌های ازپیش‌تعیین‌شده را دارد.

- مسدودسازی URL که به عنوان طرح بازرسی محتوا نیز شناخته می شود و با استفاده از سیستمی به نام IDS کلیه محتوای فضای مجازی را در هنگام عبور مورد بازرسی قرار می دهد و دیگر نیازی به یک لیست سیاه از پیش آماده شده ندارد (Thünken, 2008).

## ج) قوانین و مقررات

مباحث نرم‌افزاری فیلترینگ در چین را عمدتاً می‌توان از طریق قوانین و مقرراتی که از سوی حاکمیت این کشور وضع شده‌اند پیگیری نمود. در همین راستا قوانین مخابراتی چین که در سپتامبر سال ۲۰۰۰ توسط شورای دولتی به تصویب رسیده‌است سه سیستم مجزا از هم را تشکیل می‌دهد: اعطای مجوز و ثبت سایت، پیش‌تایید برای انواع خاصی از سایت‌ها و تایید اختصاصی برای عملکرد یک سایت مشخص. همچنین این سازوکارها هر فرد و یا سازمانی را از تولید و یا توزیع محتوایی که شامل موارد نه‌گانه ذیل باشند منع می‌کند:

- مخالفت با اصول اساسی مطروحه در قانون اساسی
- تهدید امنیت دولتی، براندازی قدرت دولتی و یا ازبین بردن وحدت ملی
- تضعیف اعتبار و منافع دولتی

- برانگیختن نفرت در میان اقوام، تبعیض نژادی و تضعیف وحدت قومی
  - انتشار شایعات و برهم زدن نظم یا ثبات اجتماعی
  - ایجاد اختلال در سیاست مذهبی دولت و یا ترویج بدعت‌ها و خرافات فئودالی
  - فحاشی، پورنوگرافی، قمار، خشونت و گسترش ترس
  - توهین و تجاوز به حقوق و منافع مشروع اشخاص
  - کلیه مطالبی که توسط مقررات و قوانین اداری ممنوع شده‌است
- (Monggilo, 2016).

همچنین نسخه تازه‌ای از قوانین و مقررات توسط اداره فضای مجازی چین (Cyberspace Administration of China) در سال ۲۰۲۲ منتشر شده‌است که تفاوت‌هایی را نسبت به قبل ایجاد کرده‌است. ابتدا اینکه مدیران وبسایت‌ها در قبال بحث‌هایی که پس از انتشار مطالب صورت می‌گیرد نیز مسئول هستند، چرا که ممکن است برخی نظرات امکانی برای کنش جمعی فراهم کنند. از دیگر مفاد این قانون نیز هم‌خوانی با ارزش‌های سوسیالیستی

و سیاست‌های حزب کمونیست چین (CCP) است، حتی اگر محتوا از نظر قانونی مانعی برای انتشار نداشته باشد ( Bitter Winter, 2022). در همین راستا شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی نیز ملزم شده‌اند تا ارائه خدمات به افرادی که هویت واقعی خود را تایید نکرده‌اند متوقف کنند و مسئولان شبکه‌های اجتماعی نیز کاربری کسانی را می‌توانند تایید کنند که با هویت واقعی خود ثبت‌نام می‌کنند (Freedom House, 2023).

قواعد دیگری نیز درباره محتوایی که افراد در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند وجود دارد که براساس آن برخی از انواع محتوا مصداق محتوای مجرمانه تلقی می‌شود:

- انتشار اطلاعات غلط درباره امور جاری داخل و خارج از کشور به منظور فریب افکار و برهم‌زدن نظم عمومی.
- گمانه‌زنی در مورد مسائل حساس اجتماعی برای جلب توجه مخاطبان.

- استفاده یک‌جانبه از کلمات بحث‌برانگیز در جهت تحریک هیجانات منفی.
- و انتشار اخبار زرد جدید که آمیزه‌ای است از محتوای درست و نادرست (Bitter Winter, 2024).

نکته دیگری که در ارتباط با این قوانین باید خاطر نشان ساخت ابهامی است که در عبارات مطروحه آن قرار دارد، مانند به‌خطر انداختن امنیت ملی یا آسیب‌زدن به منافع کشور؛ این ابهام مجالی را فراهم می‌کند برای تفسیرهای گوناگون و متناسب با شرایط که می‌تواند به‌نوبه خود دستاویزی شود برای محکومیت مخالفان داخلی، همچنین دیگر پیامد ابهام در قوانین می‌تواند اعمال خودسانسوری شدیدتر از سوی رسانه‌ها باشد تا در دامنه تفسیرهای مبهم قوانین گرفتار نشوند (Thünken, 2008) همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (Dodson, 2010).

## د) نهادهای مسئول



سومین رویکردی که در فهم طرح فیلترینگ چین یاری‌رسان خواهد بود شناسایی نهاد یا نهادهای مسئول این سیستم است. به‌طور کلی مسئولیت نظارت بر ساختار اینترنت و اتصال چین به شبکه اینترنت جهانی بر عهده وزارت صنعت اطلاعات (MMI) این کشور است و دسترسی کاربران نیز از طریق نه شرکت خدمات اینترنتی (IAPs) که در این کشور با مجوز دولت فعالیت می‌کنند فراهم می‌شود. آنچه در ذیل خواهد آمد معرفی نهادهای دخیل در امر تنظیم‌گری اینترنت کشور چین خواهد بود:

- دیپارتمان مرکزی تبلیغات Central Propaganda Department
- دیپارتمان تجارت Department of Commerce
- دیپارتمان مخابرات Department of Telecommunications
- اداره کل مطبوعات و انتشارات General Adminisreation of Press and Publications

- وزارت فرهنگ Ministry of Culture
  - وزارت صنعت اطلاعات Ministry of Information Industry
  - وزارت امنیت عمومی Ministry of Public Security
  - دفتر امنیت عمومی Public Security Bureau
  - اداره دولتی رادیو، فیلم و تلویزیون State Administration of Radio, Film and Television
  - شورای دولتی State Council
  - آژانس اطلاعات شورای دولتی State Council Information Agency
  - دفتر محرمانه دولتی Bambauer State Secrets Bureau
- (et al. 2005).

همچنین نتایج یک مطالعه کمی که بر روی آیین‌نامه‌های منتشرشده از سوی دولت چین، در حفاصل سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۷ صورت پذیرفته‌است، نشان می‌دهد در این بازه زمانی ۷۱ سازمان دولتی در امر سیاست‌گذاری فضای مجازی مشارکت داشته‌اند. از مجموع قوانین منتشرشده از سوی این نهادها ۹۰٪ آن‌ها در قالب دستورالعمل‌های بین‌بخشی و فاقد چارچوب

قانونی مشخص بوده است که این خود به معضلی در دستگاه تنظیم‌گری فضای مجازی بدل شده است. نکته جالب توجه دیگر آن که چین در تنظیم این آیین‌نامه‌ها صرفاً به مسائل امنیتی نظر نداشته است و بخش مهمی از آیین‌نامه‌ها معطوف به حوزه اقتصاد دیجیتال بود در واقع است. در واقع کمک به اقتصاد دیجیتال یک بازی برد - برد محسوب می‌شود؛ از یک طرف دولت با افزایش رشد اقتصادی مشروعیت سیاسی خود را تداوم می‌بخشد، از سوی دیگر شرکت‌های فعال در اقتصاد دیجیتال نیز سودآوری بیشتری را تجربه می‌کنند (Miao et al. 2021).

## و) اهداف دولت

چهارمین مواجهه ما با مسئله فیلترینگ از زاویه هدف دولت از اعمال چنین سیستمی است. جواب چنین پرسشی در وهله اول چندان دور از ذهن و پیچیده به نظر نمی‌آید و آن عبارت است از حفظ وضع موجود و تداوم حاکمیت. اما نکته جالب توجه در این

میان شواهدی است که نشان می‌دهد برنامه فیلترینگ چین به طیف متنوعی از انتقادات نسبت به دولت چین و سیاست‌های آن اجازه انتشار محتوا را می‌دهد در مقابل محتواهایی را محدود می‌کند که می‌تواند منجر به یک کنش جمعی شود، فارغ از این که جهت‌گیری چنین کنشی به سوی دولت و سیاست‌های آن باشد یا نباشد (King et al. 2013). همچنین شکل‌دادن به رفتار شهروندان در فضای مجازی، دستیابی به اهداف دولتی و در نتیجه تقویت اقتدار سیاسی دولت نیز می‌تواند از دیگر اهداف در طراحی اجرای فیلترینگ باشد (Lee & Liu, 2012).

همچنین دولت چین مظنون به اجرای طرحی است موسوم به حزب ۵۰ سنتی (50 Cent Party) که طبق یک برآورد تخمینی بیش از ۲ میلیون نفر در قالب این طرح در استخدام دولت این کشور هستند. این گروه که سالانه در حدود ۴۴۸ میلیون پست را در فضای مجازی منتشر می‌کنند، موظف اند تا افکار عمومی را

منحرف و مانع از ایجاد یک کنش جمعی توسط شهروندان شوند. این مدعا وقتی تایید می‌شود که دریابیم بیشتر پست‌های این گروه در فواصل زمانی مشخصی با رخدادهایی منتشر می‌شود که ظرفیت یک اقدام جمعی بالقوه را فراهم می‌کنند. توجه دولت چین برای جلوگیری از کنش جمعی دلالت دیگری را نیز فراهم می‌آورد مبنی بر اینکه که دولت این کشور تهدید اصلی تداوم حاکمیت خود را قیام‌های مردم این کشور ارزیابی می‌کند (King et al. 2017).

نکته قابل توجه دیگری که درباره فیلترینگ چین مطرح است این است که طبق برخی مدعاها و شنیده‌ها برخی شرکت‌های غربی به‌ویژه سیسکو (Cisco) در طراحی و توسعه فیلترینگ اینترنت چین دخیل بوده‌اند. این موضوع با دو مستند قابل بررسی است؛ ابتدا ادعای سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر است که برای سال‌ها سیسکو و دیگر

شرکت‌ها را محکوم کرده‌اند و مستند دوم نیز ارجاع به گفته‌های یکی از افشاگران دارد که بیان می‌دارد سیسکو از طراحان دیوار بزرگ آتش است هر چند که این شرکت‌ها نیز در مقابل پاسخ می‌دهند که آن‌ها صرفاً مسئول فروش تکنولوژی به کشورهای مقصد هستند و مسئولیت نحوه استفاده از آن بر عهده ایشان نخواهد بود (Bambauer et al. 2005؛ همچنین برای تایید دیگری بر این مدعا می‌توانید رجوع کنید به Stevenson, 2007).

### برخی انتقادات

بعد از معرفی ابعاد و وجوه مختلف طرح فیلترینگ چین در این قسمت از گزارش سعی خواهیم نمود تا برخی از انتقادات وارده بر آن را مرور نماییم. نتایج یک پیمایش نشان می‌دهد که آگاهی شهروندان از سانسور محتوای فضای مجازی تاثیر نامطلوبی بر ارزیابی ایشان از میزان کارایی عملکرد دولت دارد، چرا که بر این

باور خواهند بود که اگر مسئله‌ای در دامنه توانایی دولت برای حل و فصل قرار داشته باشد دیگر لزومی ندارد تا با سانسور توجه افکار عمومی از سوی آن منحرف شود و این خود موجب خلق بی‌اعتمادی به توانایی دولت در حل مشکلات خواهد شد و دولت نیز مرجعیت خود را به‌عنوان محلی برای ارجاع مشکلات شهروندان از دست خواهد داد. همچنین پیامد دیگر آگاهی از سانسور، ازسویی ایجاد نوعی نگرش در شهروندان است مبنی بر این باور که محتوای سانسور شده می‌تواند بخشی از واقعیت را با خود به‌همراه آورد و ازسوی دیگر آغازگر جستجوی شهروندان برای یافتن منابع خبری جایگزین و از دست رفتن مرجعیت رسانه‌ای دولت باشد (Wong & Liang, 2021). انتقاد دیگری که به این طرح وارد است نیز از منظر کارایی اجرایی آن است، چرا که امروزه سیستم‌های پیچیده فیلترینگ توسط پروکسی‌ها قابل عبور کردن هستند و دامنه‌های فیلتر شده می‌توانند دائماً آدرس

خود را تغییر دهند و از این طریق دسترسی کاربران همچنان بدون مشکل باقی بماند (Lacharite, 2002).



## • رهیافتی برای ایران

در آخرین بخش این گزارش سعی خواهیم نمود تا از پس آنچه از تجربه فیلترینگ در چین آموختیم، ره‌آوردی را برای سیاست‌گذار ایرانی فراهم آوریم. گرچه نویسنده این سطور واقف است که ارائه راهبردهای عملیاتی مشخص برای سیاست‌گذاری فیلترینگ از بضاعت گزارش فراتر خواهد بود، اما دست‌کم می‌توان امیدوار بود تا مواضعی برای بازاندیشی خوانندگان خویش فراهم آورد. اولین نکته مهم مسئله مرجعیت نهادی برای تصمیم‌گیری نسبت به فیلترینگ فضای مجازی است و اینکه کدام نهاد در نهایت مسئولیت تنظیم‌گری فضای مجازی را بر عهده دارد. در مرور تجربه کشور چین ده مورد از نهادها و ارگان‌های مختلف شناسایی شدند که در امر تنظیم‌گری دخیل بوده‌اند و درباره ایران باید پرسید کدام نهاد؟ وزارت ارتباطات، شورای عالی فضای

مجازی، کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، شوارای عالی امنیت ملی یا...؛ البته این نکته نیز صحیح است که تنظیم‌گری الزامات مختلفی را دارد از جمله توجه به وجوه امنیتی آن، اما پیشنهاد مشخص ما گنجاندن تمامی این الزامات در یک ساختار نهادی مشخص و شفاف است.

مسئله مرجعیت نهادی از آن حیث حائز اهمیت است که ما را به موضوع دیگری رهنمون می‌سازد و آن نیز شفافیت سازوکار تصمیم‌گیری در حوزه فیلترینگ و قوانین پشتیبان آن است. موضوعی که در تجربه چین نیز به وضوح مشاهده شد و دیدیم که چگونه ابهام در تفسیر قوانین می‌تواند گریبان‌گیر کاربران فضای مجازی شود؛ برای توضیح بیشتر، به نقل‌قولی از عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات استناد می‌کنم که در مصاحبه‌ای بیان می‌دارند مسئول تصمیم‌گیری فیلترینگ در ایران بر عهده کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است (همشهری آنلاین،

۱۴۰۳). اگر این گفته ایشان را مبنا قرار دهیم، در مورد فیلترشدن دو برنامه اینستاگرام و واتساپ شاهد مثال نقض آن هستیم؛ چرا که طبق گفته غلامرضا جلالی فرمانده سازمان پدافند غیرعامل کشور، این تصمیم را شوای‌عالی امنیت ملی اتخاذ نموده‌است و دلیل آن نیز عدم رعایت قوانین کشور، از سوی این دو شرکت بیان شده‌است (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱). پس سوال مشخص و واضح آن است که کدام نهاد در نهایت می‌تواند اقدام به فیلترینگ فضای مجازی نماید و کدام قانون از چنین تصمیمی پشتیبانی می‌کند؟ و زمانی که در بیان علت فیلترینگ واتساپ و اینستاگرام، صحبت از عدم رعایت قوانین کشور می‌شود مشخصا ارجاع به کدام قانون دارد؟ البته جدا از سازوکار مبهم و سردرگم فیلترینگ در ایران که چندان بی‌شباهت به کشور چین نیست، به نظر می‌رسد که ایران در پروژه فیلترینگ شباهت‌های بیشتری به کشور چین دارد. در مقام شاهد این مدعا به

نقل قولی از ابوالحسن فیروزآبادی دبیر وقت شورای عالی فضای مجازی استناد می‌کنم که چین را الگویی موفق در اجرای فیلترینگ فضای مجازی ارزیابی می‌کند؛ ایشان همچنین در ارزیابی خود از موفقیت تجربه چین به ایجاد نمونه‌های داخلی برخی از برنامه‌ها در این کشور اشاره می‌کنند که این موضوع با مواضع صریح ایشان در باب حمایت از پلتفرم‌های داخلی همخوانی آشکاری دارد (ایسنا، ۱۴۰۰). البته شایان ذکر است که شباهت ایران و چین محدود به همین نقطه نمی‌ماند، چرا که در تجربه چین نیز شاهد آن هستیم که فیلترینگ برنامه‌هایی چون یوتیوب، پس از آن رخ می‌دهد که حول موضوعی اعتراضات مردمی شکل می‌گیرد (ETH Zurich, 2012). مسئله‌ای که در ایران و پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ به وضوح شاهد آن بودیم.

مسئله سوم لطمه به مرجعیت خبری منابع رسمی دولتی است و همان‌گونه که از تجربه کشور چین آموختیم این مسئله منجر به

از دست رفتن مرجعیت خبری و رسانه‌ای دولت شده بود. در کشور خودمان نیز می‌توان به طرز مشابهی این سوال را تکرار کرد که آیا همچنان مرجعیت رسانه‌ای، به ویژه در مواقع بحرانی مانند اعتراضات سال ۱۴۰۱ در اختیار دولت و رسانه‌های رسمی قرار دارد؟ این موضوع گرچه محل پژوهش یادداشت حاضر نبوده است، ولی به طور جدی پیشنهاد اجرای یک پیمایش برای سنجش این موضوع را در مقابل خواننده خود قرار می‌دهد.

مسئله چهارم سرمایه اجتماعی حاکمیت است و یک سوال مهم، تاکنون کدام نهاد خود را در برابر چرایی اجرای فیلترینگ نسبت به مردم پاسخ‌گو دانسته است؟ آیا هیچ نظریه و مبنای قدرتمندی برای اقناع ذی‌نفعان و کاربران فضا مجازی ارائه شده است؟ یا کشور ما نیز مانند چین متوسل به عبارات مبهمی مانند امنیت ملی می‌شود که می‌تواند لحظه به لحظه تفسیر و معنای متفاوتی بیابد؟ پیشنهاد مشخص این پژوهش در این زمینه ارائه

توضیحات دقیق و قراردادن مبانی نظری اجرای فیلترینگ در برابر آرای مردمی است.

موضوع پنجم و باز در راستای شفافیت سازوکار اجرایی فیلترینگ ارائه میزان هزینه‌ای است که تا به امروز برای این پروژه صورت پذیرفته است. شهروندان و صاحبان حقیقی منابع عمومی حق دارند که بدانند اجرای این طرح چه میزان از منابع عمومی را مصرف خود کرده است، آیا هزینه‌های آن بر منفعی که دارد برتری می‌جوید یا خیر؟ طبعاً این نکته مفروض بر این خواهد بود که مبانی نظری اجرایی آن مورد قبول و پذیرش عمومی واقع شده باشد.

و موضوع آخر که یکی از انتقادات وارده به طرح فیلترینگ چین نیز بوده است مسئله کارایی این سیستم است؛ سیستمی که با یک سازوکار ساده و کم‌هزینه به نام پروکسی قابلیت از کارافتادن را دارد. به‌راستی توجیه پرداخت چنین بهایی برای

سیستمی که می‌تواند به سادگی توسط کاربران دور زده شود، چه خواهد بود؟ این موضوع یکی از اصول ساده و ابتدایی اقتصاد و بازار را به ما نشان خواهد داد و آن اینکه عرضه در جایی شکل خواهد گرفت که تقاضایی وجود داشته باشد و سوالی که مطرح می‌شود این است که وقتی بخش زیادی از شهروندان همچنان متقاضی استفاده از محتوای فیلترشده هستند، چگونه می‌توان راه عرضه و دسترسی را برای ایشان سد نمود؟ همان‌گونه که سال‌ها تجربه مبارزه با منحنی عرضه بازار در حوزه‌های دیگر نیز نتایج بهتری را به همراه نداشته است. سوال مهم‌تر این خواهد بود که چگونه می‌توان قانونی را برای حاکمیت بر مردم انتخاب نمود، درحالی‌که قشر وسیعی از ذی‌نفعان منافع خود را در تعارض با این قانون می‌بینند؟ آیا چنین طرحی صلاحیت آن را دارد تا لفظ قانون بر آن اطلاق شود؟ نویسندگان این سطور در پایان این گزارش امیدوار است که توانسته باشد مجالی برای تامل و

بازاندیشی در سیاست‌های فعلی فضای مجازی در ایران و  
دورنمایی برای طراحی راهبردهای آینده آن فراهم آورده باشد.



## • منابع

- ایسنا (۱۴۰۰). فیروزآبادی: اعتقاد به فیلتر ندارم/ با رهسازی فضای مجازی مخالفم. [isna.ir/xdJgw4](https://isna.ir/xdJgw4)
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۱). فیلتر اینستاگرام و واتساپ به دستور شورای عالی امنیت ملی انجام شده است. <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3913115>
- همشهری آنلاین (۱۴۰۳). چه کسی مسئول فیلترینگ در ایران است؟ [hamshahrionline.ir/x99H7](https://hamshahrionline.ir/x99H7)
- Bambauer, D. E., Deibert, R. J., Palfrey, J. G., Rohozinski, R., Villeneuve, N., & Zittrain, J. L. (2005). Internet filtering in China in 2004-2005: A country study. Available at SSRN 706681.
- Dodson, E. (2010). Cracks in the Golden Shield: the rising challenge of expanding Chinese Internet censorship technologies (Doctoral dissertation, Georgetown University).
- ETH Zurich. (2012). China, Corporations and Internet Censorship. <https://css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/138031>
- Freedom House. (2023). CHINA. <https://freedomhouse.org/country/china/freedom-net/2023>
- Kexin, Z. (2022). China: Posting Comments on Websites Severely Restricted by New Rules. Bitter Winter.

<https://bitterwinter.org/censorship-in-china-posting-comments-restricted/>

- Kexin, Z. (2024). The authorities admit that the 2023 campaign was a failure and issue a new tougher regulation against independently produced news posted on social media. Bitter Winter.  
<https://bitterwinter.org/china-a-new-crackdown-on-self-media/>
- King, G., Pan, J., & Roberts, M. E. (2013). How censorship in China allows government criticism but silences collective expression. *American political science Review*, 107(2), 326-343.
- King, G., Pan, J., & Roberts, M. E. (2017). How the Chinese government fabricates social media posts for strategic distraction, not engaged argument. *American political science review*, 111(3), 484-501.
- Lacharite, J. (2002). Electronic decentralisation in China: A critical analysis of Internet filtering policies in the People's Republic of China. *Australian Journal of Political Science*, 37(2), 333-346.
- Lee, J. A., & Liu, C. U. (2012). Forbidden City enclosed by the Great Firewall: The law and power of Internet filtering in China. *Minn. JL Sci. & Tech.*, 13, 125.
- Miao, W., Jiang, M., & Pang, Y. (2021). Historicizing internet regulation in China: A meta-analysis of Chinese internet policies (1994–2017). *International Journal of Communication*, 15, 24.

- Monggilo, Z. M. (2016). Internet freedom in asia: case of internet censorship in china. Jurnal Studi Pemerintahan.
- Shahbaz, Funk, Brody, Vesteinsson, Baker, Grothe, Barak, Masinsin, Modi, Sutterlin eds. *Freedom on the Net 2023*, Freedom House, 2023, [freedomonthenet.org](https://freedomonthenet.org).
- Stevenson, C. (2007). Breaching the great firewall: China's internet censorship and the quest for freedom of expression in a connected world. BC Int'l & Comp. L. Rev., 30, 531.
- Thünken, F. (2008). Internet Censorship in China-Recent Developments and Perception of Internet Censorship by Chinese Internet Users (Doctoral dissertation, Universität Würzburg).
- Wong, S. H. W., & Liang, J. (2021). Dubious until officially censored: Effects of online censorship exposure on viewers' attitudes in authoritarian regimes. Journal of Information Technology & Politics, 18(3), 310-323.
- Zittrain, J., & Edelman, B. (2003). Internet filtering in China. IEEE Internet Computing, 7(2), 70-77.

با تشکر از حسن توجه شما



[SHENAKHTIC.COM](http://SHENAKHTIC.COM)